

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	مشخصات نشر	مشخصات ظاهری
جستارهایی در پلاستیک/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.	۵۲۱ص.
موضوع	بلاها - - جنبه‌های جامعه‌شناختی.	۳۴۷/۳۶۳
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا
موضوع	مسائل اجتماعی - ایران - تهران.	رده‌بندی دیویی
موضوع	مدیریت بحران - ایران - تهران.	
موضوع	بلاها - - آینده‌نگری.	
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ج ۲ / HV ۵۵۳	

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

پلاسکو از آغاز تا پایان ۷

مدیریت و سیاست شهری

- گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی ۱۵
- پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی ۲۵
- مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی ۳۱
- تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی ۳۵
- ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری ۴۳
- فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد ۴۹
- آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل ۵۷
- فاجعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر ۶۵
- مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده ۷۱
- مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی ۷۹
- خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی ۸۷
- هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی ۹۷
- ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی ۱۰۳
- آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی ۱۱۱
- چتری برای پلاسکو / یاسر باقری ۱۱۹
- قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی ۱۲۹
- عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی ۱۳۵

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظلونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

پلاسکو در ذهن مردم فروریخت

عباس نعمتی و حمید طاهری
فیلم‌نامه‌نویس

چرا ماجرای فروریختن پلاسکو برای مردم این قدر مهم شد؟ چطور این ماجرا توانست تاکنون ذهن جامعه را عمیقاً درگیر خود کند؟ حدود ۳۰ نفر در پلاسکو جان خود را از دست داده‌اند. ۳۰ نفر یعنی کمتر از نصف تعداد افرادی که هر روز به دلیل حوادث رانندگی به کام مرگ کشیده می‌شوند. این تعداد با تعداد مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا در تهران در روز، برابری می‌کند. با این حال، چرا حادثه پلاسکو که به نسبت، ضرر جانی کمتری داشته است، تا این حد روی مردم تهران و ایران اثر کرد؟ چرا احساسات آن قدر لطمه دیدند؟ حال چرا این احساسات لطمه دیده، به خشم بدل شدند؟ چرا مردم از رسانه‌ها و بالاخص صدا و سیما در این واقعه راضی نبودند؟ صدا و سیما که از ابتدا و با قوت و قدرت، این

حادثه را پوشش داد. فرق آن با باقی حوادث در چیست؟ این جستار، بر آن است تا نشان دهد چیزی که مردم را در این حادثه آزار داد خشونت بود که بر آن‌ها اعمال شد؛ خشونت‌هایی که این بار به‌طور مستقیم، از قشری به نسبت ضعیف در ساختار، قربانی گرفت. در قدم بعدی، این مقاله به مسئولیت رسانه می‌پردازد و نشان می‌دهد که رسانه‌ها چگونه می‌توانند، نه تنها احساسات خدشه‌دار شده را التیام نبخشند، بلکه نمکی باشند بر زخم مخاطبان خود.

عموماً وقتی پای خشونت به میان می‌آید، همه به‌صورت تجربی، می‌پندارند آن را می‌شناسند و حتی می‌توانند تعریفش کنند. معمولاً هم مصداق خشونت فیزیکی یا در نهایت کلامی در نظر گرفته می‌شود و کمتر به خشونت غیرمستقیم، پنهان و ساختاری توجه می‌شود. گالتونگ، متفکر نیروی معتقد است، هر جا خشونت هست، صلح وجود ندارد. در واقع خشونت، درست نقطه مقابل صلح قرار می‌گیرد. چه چیزی باعث می‌شود که صلح مخدوش شود؟ باز هم از نظر گالتونگ، هر کنشی که مانع رسیدن انسان‌ها به پتانسیل‌هایشان شود، صلح را از میان برده و از این‌رو، خشونت تلقی می‌شود. خشونت فیزیکی، فقط نوع بارز خشونت است. نوعی از خشونت که اهمیتی فراوان دارد، خشونت ساختاری/غیرمستقیم است. این نوع خشونت، اصولاً در ساختار یک جامعه، نهادینه شده است. گالتونگ مثال می‌آورد که اگر در یک جامعه، فردی به دلیل نداشتن هزینه درمان، از بیماری ایدز بمیرد ولی در شرایط مشابه در همان جامعه، شخصی به‌خاطر ثروت یا منزلت اجتماعی، درمان شده و زنده بماند، علیه فرد نخست، خشونت اعمال شده است. این نوع خشونت، از آن جهت غیرمستقیم است که کنش‌گرش در دسترس نیست. در واقع یک سیستم است که این خشونت را اعمال می‌کند. ساختار اجتماعی، به‌گونه‌ای بنا شده است که این نوع از خشونت را تقویت و تشدید می‌کند. خشونت



ساختاری، آن قدر در تاروپود یک سیستم فرو می رود که انگار طبیعی است. خشونت پنهان و ساختاری، بسیار خطرناک تر و تأثیرگذارتر از خشونت های شخصی است. شخص یا افرادی را در محصه ای نشان می دهیم که هیچ راه در رویی ندارند و هیچ راه حلی هم برای شان وجود ندارد. برای از میان بردن خشونت در ساختار، ابتدا کشمکش و خشونت باید عیان شود و بعد به سطح شخصی کشیده شود. یعنی ساختار با یافتن عاملان خشونت پنهان و مجازات شخصی آنها، خود را اصلاح می کند و این نوع از خشونت را از میان می برد. خشونت ساختاری، زمانی عیان می شود که کشمکشی به وجود آید. در مرگ های منتج از آلودگی هوا و سرطان، به دلیل پراکندگی جامعه آماری و مبهم بودن دلایل وقوعشان کشمکشی، جدی به وجود نیامده است. در حوادث رانندگی، کشمکش اتفاق افتاده، اما به ظاهر، مقصر (رانندگان) در این حوادث مشخص می شود، لذا خشونت ساختاری، ذهن مخاطب را آزار نمی دهد، بلکه خشونتی کاملاً فیزیکی به وجود می آید و در سطح شخصی حل می شود. به همین دلیل با این که آمار مرگ و میر در حوادث رانندگی و کشته های مربوط به آلودگی هوا بیشتر است، تأثیر منفی کمتری بر ذهن مخاطبین می گذارد. در حادثه پلاسکو، کشمکش واقع می شود (ساختمان در مقابل دیدگان مخاطبین به صورت زنده فرو می ریزد) خشونت و کشمکش، خوب توصیف می شود (یک هفته پیاپی شبکه خبر ۲۴ ساعته تصویر کوچکی از آن را در تلویزیون نشان می دهد) اما این کشمکش حل نمی شود و شخصی نمی گردد! به همین دلیل، تأثیر خشونت آمیز آن بر ذهن و روان مخاطب بسیار زیاد، بسیار عمیق و بسیار ماندگار است.

آن چه مردم را از اخبار رسمی، عصبانی کرد، این بود که مردم می دیدند در شبکه خبر، اخبار رسمی و خبرگزاری ها، فاجعه به خوبی و زیبایی ترسیم می شود و مرگ هایی هولناک و دهشتناک، وعده داده



می‌شود. اما کسانی که احتمالاً باید مقصر معرفی شوند در مقابل دوربین به هم تسلیم می‌گفتند و از زحمات هم تقدیر و تشکر می‌کردند و تلاش داشتند، هریک از نمد فاجعه پلاسکو که برای مردم اتفاق افتاده است، کلاهی برای انتخابات بدوزند و عکسی یادگاری بگیرند. مشکل اخبار رسمی این بود که تلاش نمی‌کرد، عاملان و مقصرین را شناسایی کند. اگر بنا باشد، خشونت پنهان و غیر مستقیم که اثری ماندگار بر ذهن و روان مخاطب دارد، از میان برود، باید به سطح شخصی کشیده شود ولی این امر در حادثه پلاسکو رخ نداد. یعنی رسانه‌ها از ابتدا به توصیف کشمکش و خشونت اقدام کردند، اما با نگفتن مقصر واقعه، مردم این تصور را کردند که با یک ساختار یک‌پارچه که کنش‌گرانه می‌خواهد خشونت را نهادینه کند، طرف هستند. به دیگر سخن، عملاً با مشخص نشدن مقصر، در اذهان مردم، تمام سیستم اجتماعی و ساختار حاکمیتی مقصر قلمداد شد!

دوربین شبکه خبر ۲۴ ساعته، روبروی ساختمان بود و هر آنچه رخ می‌داد را به صورت زنده به تصویر می‌کشید. از این جهت، رسانه کارش را بسیار درست انجام داده است، اما پوشش خبری از فرایند خاک‌برداری و امداد رسانی، کاملاً تصویری بود و هیچ صدایی نداشت. این صدای کیست که شنیده نمی‌شود؟ این صدای گودبرداری نیست که شنیده نمی‌شود، صدای مردمی است که تاکنون نمی‌خواستند چنین فجایعی انسانی را باور کنند و حالا شبکه خبر، تصویر این فجایع را رنگی به رخ مخاطب می‌کشد و می‌گوید، همه شما ممکن است چنین اتفاقی برای‌تان رخ دهد و هیچ امدادی هم در کار نیست. در حقیقت پلاسکو، نه در خیابان جمهوری که در ذهن‌ها فرو ریخت. اخبار ما، اخبار مسئولان است و نه اخبار مردم. مسئولان، این‌جا و آن‌جا می‌روند، در سمینارها سخنرانی می‌کنند، جایی را افتتاح می‌کنند، سخنرانی می‌کنند، پست می‌گیرند و ... همه را اخبار پوشش می‌دهد اما مردم



از اخبار صدا و سیما مفقودند. نه خوشی‌های مردم، نه آداب رسوم و فردیت‌شان در رسانه به رسمیت شناخته نمی‌شود، تنها وقتی می‌میرند یا فاجعه‌ای رخ می‌دهد که دوربین خبر به سمت‌شان میل می‌کند. در این حالت، صدای مردم را قطع می‌کنند و در عوض مسئولان می‌آیند و بدبختی مردم را به رخشان می‌کشند! طبیعی است این نحوه پوشش خبری، هم عمیقاً خشونت‌زاست و هم عمیقاً مخاطب را از کل رسانه ملی عصبانی می‌کند. رسانه ملی باید چه ویژگی‌هایی داشته باشد تا بتواند چنین اخباری را پوشش دهد؟

تلویزیون را یک شخصیت زنده و شخص حقیقی در نظر بگیرید. نظریه‌پردازان روان‌کاوی برای تحلیل یک انسان، پنج ویژگی و طبع را مشخص کرده‌اند:

۱. برون‌گرایی^۱
۲. دل‌پذیری^۲
۳. گشودگی/ پذیرایی^۳
۴. روان‌پریشی^۴
۵. آگاهی/ وجدان^۵.

این پنج طبع، شخصیت کلی یک انسان را شکل می‌دهند و دیگران می‌توانند با شناختن این ویژگی‌ها، افق انتظارات‌شان را از یک فرد مشخص کنند. حال با توجه به این طبع‌ها، اگر شما بخواهید یک خبر بد به کسی بدهید چه کسی را با چه ویژگی‌ای انتخاب می‌کنید؟ کسی را برمی‌گزینید که دل‌پذیری و صمیمیت بالایی داشته باشد، چون باید همدلی‌اش احساس شود، تقریباً بیماری روانی نداشته باشد (چون قرار

-
1. Extroversion
 2. Agreeableness
 3. Openness
 4. Neuroticism
 5. Conscientiousness



نیست، استرس یا عقده‌هایش، مانع از خبررسانی درست شود) کمی برون‌گرا باشد (ولی نه آن‌قدر که بخواهد، سلطه‌جو برخورد کند، فقط در این حد که تسلط کامل بر شیوه بیان و لحنش داشته باشد). ذهن باز و در نتیجه، پذیرا داشته باشد تا بتواند در موقعیت، استراتژی‌اش را برای گفتن خبر تغییر دهد (مثلاً می‌فهمد گیرنده، همین امروز یک خبر بد دیگر را هم دریافت کرده است) و در نهایت، باید آگاهی کاملی نسب به وضعیت گیرنده و خبرش داشته باشد. رسانه ملی ما در کدامیک از این طبع‌ها نمره بالایی می‌گیرد و در کدامیک نمره‌ای پایین؟ رسانه ملی در برون‌گرایی، نمره‌ای بالا کسب می‌کند، حتی در بیان اخبار، سلطه‌جو است اما در دل‌پذیری و صمیمیت، نمره‌ای پایین خواهد داشت، به همین دلیل، گزینه‌ای مناسب برای ابلاغ خبر فاجعه نیست.

به عنوان نتیجه می‌توان گفت، خشونت ساختاری، خشونت پنهان است که تا لحظه کشمکش عیان نمی‌شود. زمانی که این کشمکش عیان شد، هر ساختاری یا با اصلاح خودش یا با حذف رقیب کشمکش‌زا، وضعیت را آرام می‌کند. رسانه در این‌جا، نقشی مهم بازی می‌کند، چرا که می‌تواند خشونت غیرمستقیم، ساختاری و پنهان را با پیدا کردن عاملان کشمکشی که عیان‌ش کرده‌اند، به سطح شخصی بیاورد. رسانه این‌گونه می‌تواند به ساختار کمک کند و به جامعه، احساس آرامش القاء نماید. اگر رسانه بخواهد خشونت را کم کند، باید بر میزان صمیمیت و دل‌پذیری خود بیفزاید، فردیت مردم را به رسمیت بشناسد و آن‌ها را مانند توده‌ای که در لانگ‌شات هستند، نشان ندهد و در نمایش خشونت‌های ساختاری، تلاش کند مقصرین را بیابد، حتی اگر این تلاشش به نتیجه نرسد، مردم احساس آرامش می‌کنند.





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
دانشگاه شیراز